

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا وفواندن توراہ فودداری فرمایید.

אברהם אבינו

מטות-מסעי

جهت حفظ قدوسیت این نشریه از دور انداختن آن فودداری فرمایید.

۲۶ تموز ۵۷۸۰

5 פתארי רוש נג

در اینجا نیز رבי الياهو میزراحی توضیح می‌فرماید: "چون این جنگ مربوط به انتقام خد-اوند می‌شد، سبط افراييم و منشه فقط یک سبط محسوب می‌شوند، زیرا سبط افراييم و منشه فقط در مورد تقسیم سرزمین یيسرائل است که دو سبط حساب می‌آیند."

این توضیح رבי الياهو میزراحی سؤال برانگیز است، زیرا قبل از این توضیح داده بود که این جنگ هم مربوط به تصرف سرزمین یيسرائل و هم انتقام خد-اوند از میدیانیها است. ولی در اینجا از سخنان وی چنین برداشت می‌شود که این جنگ فقط مربوط به انتقام خد-اوند می‌شود...

در کتاب "معیناه של توراہ" از یاد هاراو از گور روحش شاد یاد شده است: توراہ می‌نویسد دوازده هزار نفر از قوم یيسرائل فرستاده شدند. راشی این مورد را توضیح می‌دهد و می‌فرماید: "یعنی چی فرستاده شدند؟"

راشی در جواب می‌نویسد: "وقتی قوم یيسرائل فهمیدند پس از این جنگ منشه ربنو وفات خواهد نمود، پس نمی‌خواستند به این جنگ بروند و به همین سبب لازم بود آنها را مجبور نمایند. ولی توراہ در پاراشای وزوت هبراخا در مورد سبط لوی می‌نویسد در راستای انجام رضایت خد-اوند، حتی مادر، پدر، خواهر، برادر و هیچ عزیزی را نمی‌شناسد و فقط خواست خد-اوند برای وی مهم است. به این صورت، سبط لوی در این جنگ شرکت نمودند و لازم نبود آنها را وادار نمایند به این جنگ بروند. ولی دیگر اسباط که چنین خصلتی نداشتند، آنها را وادار کردند به این جنگ بروند."

به این ترتیب می‌توان سخنان رבי الياهو میزراحی را توضیح داد و گفت: برای دیگر اسباط، این جنگ هم مربوط به تصرف سرزمین

در این پاراشا می‌خوانیم خد-اوند به منشه ربنو دستور فرمود انتقام قوم یيسرائل را از میدیانیها بگیرد و سپس جان خود را تسلیم نماید. سپس منشه ربنو به قوم یيسرائل فرمان می‌دهد از میان خود هزار نفر از هر سبط، سربازانی را انتخاب کنند. وی از هر سبط هزار نفر را انتخاب نمود که در نتیجه دوازده هزار نفر پیشرو جنگ برای این نبرد آماده گشتند.

راشی در تفسیر این مورد می‌نویسد:

"حتی از سبط لوی نیز هزار نفر پیشرو جنگ آمدند." رבי الياهو میزراحی روحش شاد سخنان راشی را توضیح می‌دهد و می‌فرماید: "با وجودی که سبط لوی قسمتی در سرزمین یيسرائل نداشتند، ولی با این حال در این جنگ شرکت نمودند."

به این مفهوم که با وجودی که این جنگ مربوط به تصرف سرزمین یيسرائل می‌شد و چون سبط لوی قسمتی در این سرزمین نداشت پس لازم نبود به این جنگ بیاید، ولی چون این جنگ مربوط به گرفتن انتقام خد-اوند نیز می‌شد، به همین دلیل سبط لوی هم در این جنگ شرکت کردند.

بر طبق این توضیحات باید فهمید چرا سبط افراييم و منشه در اینجا یک سبط حساب می‌آیند؟ در تمام طول راه و حتی وقتی منشه ربنو به سرزمین یيسرائل جاسوس می‌فرستد، سبط افراييم و منشه دو سبط حساب می‌آیند و دو نماینده به سرزمین یيسرائل می‌فرستند و هم چنان که یعقوب آوینو، یوسف همدیق را براخا نمود، در همه جا افراييم و منشه دو سبط محسوب می‌شوند. پس چرا در اینجا یک سبط حساب می‌آیند؟

۱ اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه (رای، پیشنهاد و یا سوالی در امور هلافا و زندگی) روزمره دارید از اتمام لطف

می‌کردند ، چه در گناه گوساله طلایی و چه در زمانی که قسمتی از قوم یسرائیل می‌خواستند به مصر برگردند و سبط لوی جلودار آنها شدند و ... در همه جا سبط لوی به فکر منافع شخصی خویش نبود بلکه در صدد انجام رضایت خد-اوند بود و فکر و حساب نمی‌کرد که آیا این مورد به نفع است یا خیر.

ولی دیگر اسباط به این صورت رفتار نمی‌کردند و در هر عمل و فعالیت ، فکر و حساب منافع خود را می‌کردند. به همین جهت هم از میان تمام اسباط ، خد-اوند سبط لوی را به عنوان یگان ویژه خود انتخاب نمود.

اصل و اساسی که از این مورد آموخته می‌شود این است: شخصی که واقعاً می‌خواهد خد-اوند را عبادت نماید ، در عبادت خد-اوند نباید به فکر منافع شخصی خویش باشد ، بلکه باید فقط به عبادت خد-اوند فکر کند.

مقدس یسرائیل و هم انتقام خد-اوند از میدیانیها بود. ولی برای سبط لوی ، این جنگ فقط مربوط به انتقام خد-اوند می‌شد.

در انتهای هلاخاهای مربوط به سال یُول و سال شمیطا ، هارامیام می‌نویسد: "سبط لوی دارای هیچ قسمتی در سرزمین یسرائیل نیستند و در جنگها نیز قسمتی در موارد غارت شده ندارند ، زیرا این سبط از دیگر اسباط جدا شده تا خد-اوند را عبادت نماید و خد-اوند قسمت آنها می‌باشد. و نه تنها سبط لوی ، بلکه هر فردی در دنیا که از صمیم قلب بخواهد خد-اوند را عبادت نماید و راست و مستقیم در راه خد-اوند قدم بردارد و فکر و حسابی که مردم دنیا می‌کنند را از سر خود باز می‌نماید ، او نیز سرباز خد-اوند محسوب می‌شود."

در واقع نه تنها در این جنگ ، بلکه همواره سبط لوی در راه خد-اوند پیش قدم بودند. چه در مصر که بجای کار و پول درآوردن مشغول آموزش توراه بودند و با وجود خطر زیاد ، فرزندان خود را بریت میلا

راه باریک ورود به دنیای خد-اوند

است ، پس صد البته زیر پا گذاشتن نذری که باطل نشده ، نیازمند بخشش است.

بدین مفهوم که نذر این خانم باطل شده بود و این خانم فقط نیت داشت نذر خود را زیر پا گذارد ولی در اصل هیچ نذری را زیر پا نگذاشته ، حال باید این نیت ناشایست را کفاره نماید.

گمارا در این باره مثال می‌آورد و می‌فرماید: شخصی بود که می‌خواست گوشت خوک بخورد ولی به جای گوشت خوک ، به او گوشت بره دادند. با وجودی که وی هیچ گناهی انجام نداده ، ولی با این حال نیاز به کفاره گناه دارد و باید این نیت ناشایست را کفاره نماید. پس شخصی که می‌خواسته ، گوشت خوک بخورد و در آخر نیز گوشت خوک خورده ، پس صد البته نیازمند کفاره و بخشش است.

توضیح این مورد این است: وقتی شخص گناهی انجام می‌دهد ، این گناه باعث می‌شود که وی از خد-اوند دور شود و وقتی توبه نموده و گناه خویش را کفاره می‌کند ، دوباره به خد-اوند نزدیک می‌شود. حتی اگر فرد گناهی هم انجام نداده باشد ، ولی چون در فکر خود به انجام گناه فکر نموده ، این نیز باعث می‌شود شخص از خد-اوند دور گردد و به همین جهت نیازمند توبه است و باید مراحل کفاره گناه را انجام دهد تا دوباره به خد-اوند نزدیک شود.

پاراها در مورد مسائل مربوط به نذر صحبت می‌کند و توضیح می‌دهد شخصی که نذر می‌نماید ، باید نذر خویش را بجا آورد و اگر در وضعیتی گیر می‌کند که نمی‌تواند نذر خود را انجام دهد ، با یافتن راهی و پشیمان شدن آن شخص از نذر خود ، این نذر را باطل می‌کنند. ولی در نزد زن شوهردار و دختری که کمتر از دوازده سال سن دارد ، این مورد تفاوت دارد و در این دو مورد ، همسر یا پدر این نذر را باطل می‌کنند ، حتی بدون یافتن راه و پشیمان شدن از قبول این نذر.

جزئیات این موارد در گمارا مسخت نداریم و در هلاخاهای نداریم در شولخان عاروخ آمده است

اگر در همان روزی که شوهر ، نذر همسر خویش را می‌شنود ، آن نذر را باطل نماید ، ، نذر باطل گشته و خداوند این خانم را می‌بخشد. حال اگر این نذر باطل شده ، چرا این خانم نیازمند بخشش است؟

دانشمندان توراه در توضیح این مطلب می‌فرمایند: همسر یا پدر این خانم ، این نذر را شنیده و این نذر را باطل کردند و این خانم نمی‌داند ، نذر وی باطل شده و با این حال نذر خود را زیر پا می‌گذارد. با وجودی که در واقع این خانم هیچ گناهی انجام نمی‌دهد ، اما نیازمند بخشش است. حال اگر زیر پا گذاشتن نذر باطل شده نیازمند بخشش

است کمی مراقب باشند و دیگر به این گناه آلوده نخواهند شد. ولی برای شخصی که چنین گناهی را انجام داده، این مراقبت کم کافی نیست، بلکه باید برای خود چندین مراقبت سخت در نظر بگیرد، زیرا یک بار این مراقبت کم را زیر پا گذاشته و اگر فقط همین مراقبت کم باشد، به سادگی غریزه بد او را فریب خواهد داد. به همین جهت باید از مراقبتهای سخت‌تری استفاده نماید. پس برگشت از همان راهی که خارج شده، فایده ندارد، بلکه باید بیشتر تلاش نموده و از راه بالایی حرف ه - ا وارد شود، به این صورت که سختی و زجر را برای خود قبول کرده و راهی که زیر پا گذاشته را تعمیر نماید.

ربی مشه کوردپیرو در ادامه می‌نویسد:

به همین سبب دانشمندان توراه فرموده‌اند: "افرادی که توبه کرده‌اند در مکانی می‌ایستند که حتی افراد صدیق کامل نیز نمی‌توانند در آن مکان بایستند."

زیرا این افراد زحمت بیشتری کشیده و از راه بالایی که باریک است وارد دنیای خد-اوند شدند و در این راه سختیها را تحمل نمودند و بسیار بیش از افراد صدیق از گناه دور شدند و به همین جهت، به خد-اوند نزدیکتر هستند. پس افرادی که توبه کرده‌اند، در نزد خد-اوند محبوب‌تر هستند و این رفتار رحمت خد-اوند است که پس از توبه، به شخص رحم می‌نماید، وی را به خود نزدیک و دوباره شخینای خود را بر او متجلی می‌کند."

ربی مشه کوردپیرو در ادامه توضیح می‌دهد:

"انسان نیز موظف است به مانند خد-اوند رفتار نماید و به این ترتیب اگر شخصی، وی را عصبانی کرد، نباید کینه به دل بگیرد، بلکه اگر دوستش از او طلب بخشش نمود، باید عصبانیت را کنار گذارده و بیش از قبل به دوست خود محبت نماید و بگوید:

هم چنان که افرادی که توبه می‌کنند در نزد خد-اوند محبوب‌تر هستند، این شخص نیز پس از طلب بخشش، در نزد من عزیزتر خواهد بود."

چنین رفتار و عکس‌العملی نیازمند تلاش و کوشش بسیار می‌باشد، زیرا وقتی شخصی به انسان ضربه می‌زند و سپس طلب بخشش می‌کند، رابطه به مانند قبل خوب و قوی نخواهد ماند، بلکه کمی از هم دوری می‌کنند تا به مانند قبل دوباره بین آنها اختلاف پیش نیاید.

از این مورد می‌آموزیم تا چه حد باید افکار و اندیشه ما پاک و مقدس باشد، زیرا فقط به سبب فکر و نیت گناه فرد، خطا کار حساب می‌شود و نیازمند کفاره است، حتی اگر گناهی انجام نداده باشد.

موردی که به شخص، قوت قلب می‌بخشد این است که پس از توبه و ترک فکر ناشایست و عمل ناپسند، خد-اوند، شخص را می‌بخشد و دوباره به مانند قبل به خد-اوند نزدیک می‌باشد.

هم چنان که ربی مشه کوردپیرو توضیح می‌فرماید: "این هفتمین رفتار خد-اوند در سیزده رفتار رحمت می‌باشد." ربی مشه کوردپیرو در کتاب تومر دبوراً توضیح می‌دهد: "رفتار خد-اوند به مانند رفتار بنی آدم نیست. زیرا وقتی انسان از دست شخصی عصبانی می‌شود و این شخص تقاضای بخشش می‌کند، انسان این شخص را صد درصد نمی‌بخشد و هنوز از دست او دلگیر است. ولی در نزد خد-اوند این چنین نیست، وقتی شخص گناه نموده و از این گناه توبه می‌کند، درجه این شخص در نزد خد-اوند بالاتر از قبل است و همین است که دانشمندان توراه فرموده‌اند: "افرادی که توبه کرده‌اند در مکانی می‌ایستند که حتی افراد صدیق کامل نیز نمی‌توانند در آن مکان بایستند."

ربی مشه در ادامه می‌نویسد:

"گمارا در مسخت مناخوت توضیح می‌دهد این دنیای خد-اوند به مانند حرف ه - ا است و به این صورت که این دنیا به مانند راهرو است و هر کس می‌خواهد، می‌تواند از دنیای خد-اوند خارج گردد، و این دنیا به سمت بدی و گناه باز است و هیچ گوشه و کناری در این دنیا نیست که بدون مادیات، غریزه بد و نقص باشد، درست به مانند راهرویی که در و پیکر نداشته و به سمت بدی باز است و هر که بخواهد از دنیای خد-اوند خارج شود، به راحتی می‌تواند خود را در آغوش گناه پیدا نماید. ولی به مانند حرف ه - ا از سمت بالا نیز باز است و هر که بخواهد توبه نماید و برگردد، توبه او را قبول خواهند نمود.

گمارا می‌پرسد: "خوب انسان می‌تواند از همان راهی که خارج شده، از همان راه هم توبه نماید و برگردد."

گمارا در پاسخ می‌نویسد: "چنین موردی امکان‌پذیر نیست."

به این مفهوم که وقتی شخص، طعم گناه را چشید، دیگر کافی نیست به مانند افراد صدیق از خود مراقبت نماید که به این گناه آلوده نشود، زیرا افراد صدیق که طعم گناه را نچشیده‌اند، کافی

کند. پس ما نیز باید خطای دوست خویش را بخشیده و به مانند این رفتار خد-اوند عمل نماییم.

ولی ما خواهان آن هستیم که اگر خد-ای ناکرده مرتکب گناهی شدیم ، خد-اوند ما را ببخشد و به مانند قبل ما را به خود نزدیک

مزد بیشتر در قبال تحمل شرایط سخت

بهانه می‌آورند تا یک نان بخرند و در آخر هم نان را نسیه می‌خرند و پول را سر وقت نمی‌آورند. ”
خافص خبییم او را دلداری داد و فرمود: ”بالاخره مشتری می‌خواهد در ازای پولی که می‌دهد جنس خوب دریافت کند. تو هم نیز سعی و تلاش خودت را بکن تا همه نانها خوب و پرکیفیت باشند و من نیز تو را براخا می‌کنم که خد-اوند نعمت و فراوانی زیادی به تو بدهد. ”
چند وقت بعد ، وقتی جنگ جهانی اول شروع شد ، دوباره خافص خبییم به نانوايي رفت و احوال شخص نانوا را جویا گشت. نانوا با خوشحالی گفت: ”خد-اوند مرا ببخشد ولی من از این جنگ راضی هستم ، قبل از جنگ چقدر زحمت می‌کشیدم تا نان آماده کنم و در آخر فقط چند تعداد از نان به فروش می‌رفت و آن هم پس از کلی سوا کردن و منت گذاشتن. ولی الان جنگ است و مردم ایراد نمی‌گیرند ، همان نان را که جلوی آنها می‌گذارم برمی‌دارند ، پولش را می‌دهند و با کلی تشکر نان را از من می‌خرند. ”
حال هم چنان که در حکایت فوق ، جنگ و شرایط سخت باعث شد که مردم در خرید نان کمتر سخت‌گیری کنند و نانوا توانست راحت‌تر نان خود را بفروشد ، در دوره ما نیز که نیت بستن برای ما بسیار دشوار است ، سختیها باعث می‌شوند که از جانب ا-لهی نیز موقع قبول میصواهای ما کمتر سخت‌گیری نماید.

خافص خبییم روحش شاد در کتاب شم عولام می‌نویسد: ”در این گالوت ، متحمل سختیهای بسیاری هستیم و هنوز مزکی به نجات کامل نشده‌ایم. سختیهای این گالوت باعث می‌شوند به مانند گالوت مصر که سختی بسیار ، مدت زمان گالوت را کم نمود ، ما نیز با تحمل این سختی ، مدت زمان گالوت را کمتر می‌نماییم و در آینده ، به سبب تحمل این همه زجر و سختی ، به اندازه فراوان مزکی به توراه خواهیم شد و در آینده ، وقتی خد-اوند به ما مزد دهد ، این مزد به عنوان غرامت خواهد بود و انسان از دریافت این مزد خجالت نمی‌کشد. ”

از طرف دیگر ، ما آن چنان سطحی و ساده نظر هستیم که به عمق میصواها فکر نمی‌کنیم و آنها را با نیت کامل انجام نمی‌دهیم. این سختیها باعث می‌شوند این کمبود جبران گردد.

با آوردن داستانی این مورد را بهتر می‌توان توضیح داد:
یک بار خافص خبییم به نزد نانوايي محل خویش رفت و در حین خرید نان ، احوال نانوا را جویا گشت.

آن نانوا در پاسخ گفت: ”نرسید جناب راو ، نرسید ، من هر روز قبل از سپیده‌دم بیدار می‌شوم تا خمیر آماده کنم ، تنور را روشن کنم ، خودم را به زحمت و خطر زیادی می‌اندازم تا سر وقت نان حاضر شود. ولی مردم می‌آیند و نانها را سوا می‌کنند و می‌گویند: این نان سوخته است ، این هنوز خمیر است ، این شکلش خوب نیست و کلی

قابل توجه خوانندگان گرامی

در مملهای ذیل امکان دریافت نشریه چاپ شده وجود دارد و به هیچ عنوان نماینده‌ای

برای جمع‌آوری کمک به نشریه ندارد:

* **یروشالیم:** گئولا ، فیابان ملفی ایسرائل شماره ۲۵ فروشگاه آقای فرجیان

* **تل آویو:** فیابان علیا شماره ۲۳ ، آقای کهن فولادی ۹۳۷۸۲۸۱-۵۴۰

* **فولون:** فیابان ایلات ۱۶ ، فروشگاه نوיה פארם

* **ناتانیا:** آقای فرهاد تراشندگان تلفن ۸۶۸۶۸۸۶-۵۲۰

* **تارنمای:** [پاراشای هفته ۱](#) [پاراشای هفته ۲](#)